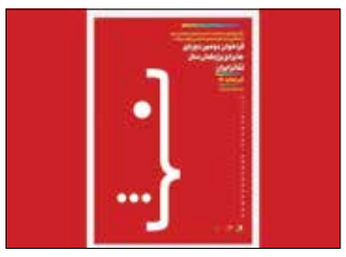
جام جم
فرهنگ
CULTURE
۵
پنجشنبه ۱۹ شهریور ۱۴۰۵ شماره ۷۴۱۳

انتشار فراخوان دومین دوره جایزه پژوهش سال تئاتر ایران

دفتر پژوهش و انتشارات انجمن هنرهای نمایشی ایران با حمایت اداره کل هنرهای نمایشی، دومین دوره جایزه پژوهش سال تئاتر ایران را همزمان با هفته پژوهش در نیمه دوم آذر سال جاری برگزار می‌کند. این رویداد با هدف شناسایی، تقویت و معرفی پژوهش‌های مرتبط با هنر تئاتر به‌ویژه پژوهش‌های کاربردی و با رویکرد توجه به ارتقای ظرفیت‌های علمی تئاتر ایران، شامل بخش‌های کتاب‌های تالیفی-پژوهشی، مقالات علمی و پایان‌نامه و رساله‌های دانشگاهی (کارشناسی ارشد و دکترا) برگزار می‌شود. محورهای موضوعی این جایزه شامل: تاریخ معاصر تئاتر ایران، مدیریت در تئاتر ایران، مخاطب‌شناسی در تئاتر ایران، جشنواره‌های تئاتری و سیاستگذاری‌های فرهنگی در ایران، بررسی گونه‌های مختلف تئاتر در ایران، تئاتر کاربردی-آموزشی در ایران، آینده‌پژوهی تئاتر ایران، ادبیات نمایشی در ایران، جنگ، تاب‌آوری اجتماعی و تئاتر و تئاتر و بحران‌های اجتماعی-سیاسی است. آثار ارسالی باید در بازه زمانی فروردین ۱۴۰۳ تا پایان اسفند ۱۴۰۴ منتشر شده باشند. اساتید و دانشجویان سراسر کشور می‌توانند برای شرکت در این فراخوان، تا ۱۰ مهر سال جاری آثار خود را از طریق سایت دفتر پژوهش و انتشارات به نشانی namayeshpub.theater.ir ثبت و ارسال کنند.





لباس شخصی، پروژه نفوذ را عیان کرد

ربیعی، کارگردان: هنگام ساخت فیلم، موضوع نفوذ برای جامعه ملموس نبود اما در دو جنگ اخیر معنای تازه‌ای برای مردم پیدا کرد



نسرین بختیاری
گروه فرهنگ و هنر

«لباس شخصی» پس از حدود هشت سال توقیف، سرانجام در شرایطی به پرده سینماها رسید که به باور امیرعباس ربیعی، کارگردان فیلم، گذر زمان نه‌تنها به فیلم آسیب نزده، بلکه موضوع آن را برای مخاطب امروز ملموس‌تر کرده است. ربیعی فیلمنامه لباس شخصی را پس از سه سال پژوهش درباره پرونده حزب توده و مطالعه اسناد و بازجویی‌های اعضای این حزب نوشته است. این کارگردان می‌گوید برخلاف تصور رایج، لباس شخصی فیلمی سفارشی نبود و حتی در نخستین اکران جشنواره فجر با مخالفت مسئولان بالادستی مواجه شد و پس از نمایش نیز توقیف شد. به گفته او، در یک سال اخیر پرونده فیلم دوباره باز و در نهایت ۱۸ مورد اصلاحیه برای آن تعیین شد. ربیعی معتقد است موضوع نفوذ که هنگام ساخت فیلم چندان برای جامعه ملموس نبود، پس از دو جنگ اخیر معنای تازه‌ای برای عموم مردم پیدا کرد و مخاطبان امروز گاه تصور می‌کنند فیلم در زمان حال ساخته شده است. او در این گفت‌وگو از چگونگی تبدیل اسناد تاریخی به درام، پرهیز از تحریف واقعیت و دراماتیزه کردن وقایع، چرایی استفاده از بازیگران کمتر شناخته‌شده و همچنین نگاهش به سینما به‌عنوان «تکنولوژی حافظه» صحبت کرد؛ سینمایی که به اعتقاد او باید سراغ بخش‌های مغفول تاریخ برود تا دیگران روایت‌شان را به ما حقنه نکنند. ماحصل این گفت‌وگو را با این کارگردان که به همراه مهیار شاپوری، بازیگر حضوری به جام جم آمدند، از نظر می‌گذرانید.

ماجرای توقیف و اکران لباس شخصی پس از حدود هشت سال چیست؟

لباس شخصی اولین فیلم من با موضوع جاسوسی بود و تجربه کافی از فضای سینما نداشتم. زمانی که در حال پژوهش درباره فعالیت‌های حزب توده بودم، حدس می‌زدم با چالش مواجه شود اما تصورم توقیف نبود. آن زمان، موضوع جاسوسی مانند امروز و پس از دو جنگی که پشت سر گذاشتیم، ملموس نبود. در فضای رسانه‌هایی که با ساختار و حاکمیت همسو نبودند، جاسوسی به‌عنوان توهم توطئه مطرح می‌شد. بیشتر افرادی که قصد کمک یا راهنمایی داشتند و حتی در سازمان اوج، در مورد چگونگی برخورد با فیلم تردیدهایی داشتند. به همین دلیل پیشنهادها این بود که سوژه فیلم اول را تغییر دهم و به جای سیاسی بودن، اجتماعی باشد.

برای اولین فیلم مسیر سختی را انتخاب کردید.

بله؛ یادم می‌آید تهیه‌کننده شخصی غیر از حبیب والی‌نژاد بود که تازه همکاری خود را با سازمان اوج شروع کرده بود. در آن زمان فیلم «ماجرای نیمروز» در جشنواره فجر برگزیده شد و جوایزی دریافت کرد اما در همان زمان حواشی برایش در جشن خانه سینما درست شده بود. آن تهیه‌کننده فکر می‌کرد تحت تأثیر ماجرای نیمروز و خیلی به من اصرار کرد این سوژه را کنار بگذاریم و سراغ کاری با حال و هوای دفاع مقدس برویم. من گفتم، زمانی که پژوهشم را در بهار ۹۶ در مرکز اسناد انقلاب اسلامی شروع کردم، اصلا ماجرای نیمروز را نساخته بودند و تحت تأثیر این فیلم نیستم. زیست و نگاه من سیاسی است و احساس کردم این سوژه هم به لحاظ سینمایی جذاب است. چند روز مانده به فجر، دوستان جلسه گذاشتند که اگر انگ و برچسبی به فیلم زدند، تردید نکنم و محکم باشم. جوابم این بود که مواجهه من با فیلم از نوع سینمایی است و احساس می‌کنم رویارویی مخاطب نیز با آن به همین شکل است. برای من مهم نیست اگر مخاطبی بعد از تماشا برچسب حکومتی یا سفارشی بودن به آن بزند اما در کنار اینها از دیدن فیلم لذت ببرد، راضی می‌شوم.

حالا پیش‌بینی‌ها با توجه به بازخوردهایی که از جشنواره فجر داشتید، چطور بود؟

خلاف پیش‌بینی‌های اولیه در جشنواره فیلم فجر رقم خورد، اتفاقات مثبتی برای فیلم افتاد و طیف‌های مختلفی با آن ارتباط گرفتند. از جانب کسانی که به شکل معنایی فیلم را دنبال می‌کردند، سروصداهایی به‌خصوص در هیأت انتخاب آن سال جشنواره به پا شد آن هم از جانب کسی که سابقه تفکر چپ در اوایل انقلاب داشت و هنگام خواندن بازجویی‌ها اسم ایشان را دیدم. او به شدت با فیلم مخالفت کرد و جلوی فیلم را گرفت تا به بخش مسابقه نرود اما باز هم کسانی که نگران بودند، از ماحصل آن راضی بودند. شبی که جشنواره فجر آغاز شد و نخستین اکران‌مان بود، به فیلم اجازه نمایش ندادند و تا ساعت سه بامداد درحال صحبت با تیمی امنیتی برای نمایش بودیم و حتی دبیرخانه چندین بار به این سمت رفت که فیلم دیگری را جایگزین کند، چون هنوز نسخه DCP را تحویل نداده بودیم. خروجی آن جلسه این بود که بخش‌هایی از فیلم را در همان ساعات اصلاح کنیم.

پس ماجرا برخلاف تصور معمول که از فیلم‌هایی نظیر لباس شخصی حمایت می‌شود، پیش رفت؟

بله؛ تصور عموم بر این بود که فیلم لباس شخصی سفارشی است اما این فیلم توقیف شد، با این شرط که فقط در فجر نمایش داده و بعد از آن توقیف شود، فیلم به جشنواره آمد. بعد از هشت سال فیلم رفع توقیف شد اما باز هم با اصلاحات بسیار.

چند دقیقه اصلاح شد؟

در این سال‌ها فضا به گونه‌ای بود که فیلم به هیچ عنوان اجازه اکران نداشت اما در یک سال اخیر در همان مجموعه‌ای که مانع اکران شد، سوءتفاهم‌ها برطرف و پرونده آن دوباره باز شد. بنابراین، یک فهرست اصلاحیه ۱۸ موردی دادند که قابل مذاکره هم نبود و باید اعمال می‌شد. من بدون دیدن آن ۱۸ مورد را پذیرفتم و گفتم اگر همان چند سال اول می‌گفتید، برطرف می‌کردم. مسأله من نحوه مواجهه دستگاه‌ها با فرهنگ و هنر است و هر اثری که ساخته می‌شود نباید در جهت افکار این دستگاه‌ها باشد. به عبارتی، من می‌توانم فیلمی بسازم که در جهت فکر افراد در مسیر انقلاب، نباشد. انکار نمی‌کنم افرادی که در طرف اپوزیسیون فیلم می‌سازند، تحت فشار نیستند اما به‌صراحت به من می‌گفتند انتظاری از آنها نداریم اما از تو انتظار داریم و می‌توانیم مانع کارت شویم. بنابراین، اکران تا بعد از جنگ رمضان عقب افتاد.

درست است که گذر زمان به دیده شدن فیلم ضربه زد اما فکر نمی‌کنید اکران آن بعد از دو جنگ ۱۲ روزه و رمضان که مسأله جاسوسی بیشتر برجسته شد، به نفع فیلم بود؟

این گذر اجباری زمان، به نفع ما و فیلم شد؛ چون در آن زمان مسأله نفوذ تا این اندازه پررنگ نبود. امروز بعد از این دو جنگ، فهم فیلم برای مردم ملموس شد و حالا که مخاطبان آن را می‌بینند، فکر می‌کنند فیلم مربوط به زمان حال است. این برایم خیلی خوشایند است که موضوع این فیلم هنوز تازه است و برای مردم کارکرد دارد. تنها ناراحتیم از دیده نشدن بازیگران است که در آن زمان هم جوان و هم بازیگران تازه نفس تئاتر بودند. متأسفانه دو بازیگر ما یعنی میلاد افواج و هادی شفیعی در این مدت فوت شدند و فیلم را روی پرده ندیدند.

در تحقیق سه ساله کدام سند مسیر فیلمنامه را برای شما تغییر داد؟

ما اسناد مربوط به تمام افرادی که در جریان دستگیری حزب توده بودند از جمله کیانوری، طبری، هوشنگ اسدی، مهدی پرتوی و... را در مرکز اسناد انقلاب اسلامی خواندیم. هنگام ساخته‌شدن فیلم، مهدی پرتوی زنده بود و من ساعت‌ها با او در خانه‌اش صحبت کردم. یکی از این سوژه‌ها از جمله هوشنگ اسدی -که قبل از انقلاب هم‌بند آقا بود- خیلی سینمایی و دراماتیک یعنی همراه با جزئیات مکان‌ها و پوشش‌های افراد اعتراف کرده بود. در اعترافاتش نوشته بود که در جایی کاشی را درآوردیم و اسلحه در آن پنهان کردیم. او همچنین کروکی آدرس‌ها را کشیده بود. من نزدیک به پنج ماه این اعترافات را خواندم و نکته‌برداری کردم تا فیلمنامه براساس آن شکل بگیرد. بعد از آن در پایان سندها می‌بینیم که می‌گوید تمام اعترافاتش دروغ بوده. او برای این‌که بازجوها را بازی بدهد و آنها را وارد جریان کودتا کند، این اعترافات را با مکر کیانوری بیان کرده بود. اتفاقا چنین شخصیتی هم در فیلم هست که بازجوها را بازی می‌دهد. یک نکته این‌که وقتی هوشنگ اسدی اعتراف کودتا را در روز و ساعت مشخصی می‌کند، کشور به ولوله می‌افتد. تبعات چنین اعترافی به قدری بالاست که سردار رضایی از جبهه برمی‌گردد و تمام فرماندهان جنگ براساس این‌که اسدی گفته هفته دیگر کودتاست، به تهران می‌آیند. اعضای شورای عالی امنیتی همان موقع پیش امام(ره) می‌روند. فردی که حالا یاسر همان نقش را بازی می‌کند، به این ماجرا شک می‌کند. وقتی این موضوع را با امام(ره) در میان گذاشت، امام(ره) لبخندی زدند و گفتند: «کودتا شعر است اما شما این شعر را خوب بخوانید و هول نکنید». بعضی درباره علت این تفکر از امام(ره) پرسش می‌کنند و ایشان می‌گویند: «بلوک شرق اهل کودتا نیست بلکه بیشتر نفوذ و تغییر سیاست‌های کشور به شکل نرم به نفع خودش است و کودتا کار آمریکایی است.»

در بازسازی دهه ۶۰ با چه محدودیت‌هایی روبه‌رو بودید؟

در آن زمان هوش مصنوعی نبود اما خوبی همکاری با آقای شجاعی این است که تجربه ساخت فضاهای نزدیک به دهه ۶۰ را زیاد داشت. در ضمن ایشان یک طراح رئالیستی اهل پژوهش است. او قبل از طراحی فضاها در رابطه با حزب توده مطالعات عمیقی انجام داد و این به فضای ذهنی من نزدیک بود. محدودیت‌های ما آلودگی‌های محیطی از قبیل مظاهر زندگی امروز مثل دکل و ماشین در فضا بود که گرفتن لانگ شات‌های خارجی را سخت می‌کرد و بخشی از فضاها به کمک جلوه‌های ویژه تصویری ایجاد شد.

کم‌توجهی به مساله نفوذ را چقدر در تحولاتی که در یکی دو سال اخیر رخ داده موثر می‌دانید؟

به‌طور طبیعی لازمه پیگیری بحث نفوذ، درک جدی‌بودن آن است. همان جریانی که نفوذ کرده، چندین دهه است که تأکید می‌کند نفوذی در کار نیست. به عبارتی، شبکه‌ای که نفوذ کرده به‌طور دائم در ذهن مسئولان و جامعه رخنه می‌کند که مساله جدی نیست و ما در لباس‌شخصی همین را یادآوری می‌کنیم. تنها تفکر انقلابی است که مصمم می‌ایستد و درباره وقوع این اتفاق هشدار می‌دهد. ما در بخش‌های مختلف تفکر انقلابی برای پیگیری داریم اما بعضی‌ها در مقابل آن مانع تراشی می‌کنند.

چطور بین واقعیت تاریخی و دراماتیک کردن قصه، تعادل برقرار کردید؟

تعادل بین واقعیت تاریخی و دراماتیزه کردن فیلم، برای دیدنی‌تر شدن در فیلم لباس شخصی برایم یک چالش بود. البته هر سه فیلمی که ساختم، براساس واقعیت است و زمانی که با یک پرونده واقعی مواجه هستید، نباید واقعیت را تحریف کنید. اصرار بر تحریف نشدن تاریخ و مستند بودن وقایع باتوجه به این‌که اصرار دارم در فیلم‌ها از بازیگران کمتر شناخته‌شده استفاده کنم، برای من دوچندان است. البته من عین واقعیت را نمی‌گویم و به‌طور معمول حتی برای تصویر کردن مستند، آن را دراماتیک می‌کنیم. بنابراین، به این قاعده رسیدم که چیستی ماجرای حزب توده و شبکه مخفی آن یا جاسوس‌ها در رده‌های مختلف نباید تحریف شود اما چگونگی آن را باید دراماتیزه کنم. به عبارتی؛ باید به شخصیت‌های مثبت و منفی پیچیدگی دراماتیک و سینمایی بدهم که این نوعی چالش است؛ یعنی من گاهی چند شخصیت را تبدیل به یک شخصیت می‌کنم. به‌عنوان مثال، به‌طور معمول چنین پرونده‌ای را یک گروه امنیتی پیش می‌برند اما نیاز فیلم ما این است که یک قهرمان واحد داشته باشد.

متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید



برش

۲ جنگ تحمیلی، حقانیت «لباس شخصی» را ثابت کرد

مهیار شاپوری، بازیگر سینما و تلویزیون، در آثاری همچون فیلم‌های مشت آخر، خانه کاغذی، دلتنگی‌های عاشقانه، باغ قرمز، ضد و سریال‌های راز یک پرونده، شرم، تاریکی شب و روشنایی روز، دزد و پلیس و پژمان حضور داشته و در فیلم لباس‌شخصی نیز نقش حسام، یک بازجوی خبره و تعلیم‌دیده را بازی کرده است. شاپوری در رابطه با این‌که چطور نقش یک بازجو را به عهده گرفته، به جام‌جم گفت: قبل از همکاری با آقای ربیعی، من تجربه بازی در شش فیلم سینمایی را داشتم که متأسفانه هرگز دیده نشد. من برای نقش دیگری به لباس‌شخصی آمدم که آن شخصیت حذف و این کاراکتر به من پیشنهاد شد. او در پاسخ به این پرسش که چقدر درباره حزب توده اطلاعات داشته، عنوان کرد: به‌طورکلی به تاریخ علاقه‌مندم و سوژه‌های سیاسی خیلی مطلوب نظرم است. سال‌ها پیش نیز کتاب «بت شکسته» کیانوری را خوانده بودم. حزب توده یکی از قدیمی‌ترین احزاب سیاسی است که در گذشته بسیاری از کسانی که زمینه فرهنگی و هنری داشتند و تحصیل‌کرده بودند، افکارشان به چپ‌ها نزدیک بود. من پس‌زمینه‌ای نسبت به این نقش دارم؛ چون تحصیلاتم در زمینه حقوق است و وکیل دادگستری هستم به کلانتری و دادگاه‌ها تردد داشتم و این فضا برایم علمی و ملموس است. شاپوری در پاسخ به این پرسش که آیا بنا به شغل وکالت با اصول بازجویی آشنا بودید یا در فرآیند کار لحظات فیلم خلق شد نیز بیان کرد: به‌طور طبیعی در فیلمنامه این شکل بازجویی را از من می‌خواستند. مبنای بازجو بودن شک‌کردن است و در فیلم هم می‌شنویم که می‌گوید: «ما نون شک کردن‌مان را می‌خوریم.» این بازیگر در رابطه با حس و حالش از اکران دیرهنگام فیلم نیز گفت: دلخوری بزرگ بچه‌های بازیگر از اکران دیرهنگام فیلم بود اما از طرفی هم خوشحالی بزرگی از این موضوع دارم که خدا را شکر می‌کنم آنچه آقای ربیعی نوشت، واقعی درآمد. انگار جنگ‌هایی که پیش آمد و جاسوس‌های بسیاری در خلال آنها پیدا شد، حقانیت فیلم را اثبات کرد که نفوذ وجود دارد و مبنای فیلم ما براساس توهم نیست. از سوی دیگر کاش در جهت واکسینه‌کردن جامعه این فیلم زودتر اکران می‌شد. شاپوری در پاسخ به این‌که برای ایفای نقش در شمایل بازجوی دهه ۶۰ چه شناختی از آن فضا و رفتار افراد در آن بازه زمانی داشتید، گفت: همان‌گونه که گفتم، زمینه مورد علاقه من در مطالعه تاریخ و چگونگی رشد احزاب سیاسی است. بنابراین، بخشی از این موضوع در ذهن من ساخته می‌شود و بخشی دیگر نیز وابسته به طراحی صحنه و لباس است که به خوبی انجام شد. نوع دیالوگ‌ها نیز بسیار دقیق و برگرفته از تفکر غالب در دهه ۶۰ بود. او با بیان خاطره و اتفاقی که در رابطه با پذیرش این نقش پیش آمد نیز عنوان کرد: قبل از این، نقش دیگری داشتم که حذف شد. من آنجا کاری بی‌سابقه انجام دادم؛ اینکه یک جعبه شیرینی خریدم و از یوسف‌آباد به خیابان سی تیر رفتم تا بابت حذف‌شدن نقشم تشکر کنم! در آنجا دکور سازمان اطلاعات دهه ۶۰ را دیدم که خیلی دقیق بود و به خاطر علاقه گفتم چند دقیقه‌ای در این دکور می‌مانم و داخل آن می‌گردم. وقتی بیرون آمدم، علی غیاثوند به‌عنوان یکی از دوستان و عوامل پروژه خواست که نقش فعلی را تست کنم.

اکران



اکران مردمی «اسکورت» در پردیس کورش

بازیگران اصلی و عوامل فیلم «اسکورت» به‌عنوان یک اکشن جاده‌ای، امروز در پردیس کورش با مردم فیلم را تماشا می‌کنند و عواید حاصل از فروش این اکران به زنان زندانی جرائم مالی اختصاص خواهد یافت.

فیلم سینمایی «اسکورت» به نویسندگی و کارگردانی یوسف حاتمی‌کیا و تهیه‌کنندگی محمدرضا منصوری، از ۱۱ شهریور در سینماهای سراسر کشور روی پرده رفته و تاکنون با جذب بیش از ۸۵ هزار مخاطب به رقمی در حدود ۵/۱۲ میلیارد تومان در یک هفته رسیده است. در ادامه برنامه‌های اکران، بازیگران اصلی از جمله امیر جدیدی، هدی زین‌العابدین، مهدی زمین‌پرداز، هادی شیخ الاسلامی و همچنین عوامل فیلم با حضور در پردیس کورش در سانس‌های نمایش با مخاطبان دیدار می‌کنند. عواید حاصل از فروش این دو سانس به زنان زندانی جرائم مالی اختصاص پیدا می‌کند تا این اکران علاوه بر جنبه سینمایی، با یک اقدام حمایتی و اجتماعی نیز همراه باشد.

جشنواره



جایزه «سرزمین فرشته‌ها» و «ولات» از جشنواره کازان

آثار ایرانی شب گذشته ۱۷ شهریور در مراسم اختتامیه بیست و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم کازان در تاتارستان روسیه، دو جایزه اصلی این رویداد را به نام خود ثبت کردند. مستند «ولات» به کارگردانی زهرا باقری و تولید «خانه مستند»، جایزه بهترین مستند جشنواره را دریافت کرد. این اثر روایتگر زندگی «صیفور» پیرمردی ۹۴ ساله است که پس از ۵۰ سال به سرزمین غرق شده‌اش بازمی‌گردد. در بخش فیلم‌های بلند نیز «سرزمین فرشته‌ها» به نویسندگی و کارگردانی بابک خواجه‌پاشا و تهیه‌کنندگی منوچهر محمدی، جایزه بهترین فیلم جشنواره و جوایز فیلمبرداری و بهترین بازیگر زن را دریافت کرد. جایزه بزرگ جشنواره کازان به‌عنوان بهترین فیلم (Grand Prix)، جایزه بهترین بازیگر زن برای سولاف فواخرجی و جایزه بهترین فیلمبرداری برای علیرضا برازنده سه جایزه «سرزمین فرشته‌ها» از این جشنواره هستند. این جشنواره از ۴ تا ۸ سپتامبر ۲۰۲۶ (۱۳ تا ۱۷ شهریور ۱۴۰۵) در شهر کازان پایتخت جمهوری تاتارستان روسیه برگزار شد.

رویداد



نمایشگاه «هدی» در مسیر تقویت هویت ایرانی-اسلامی

قادر آشنا، مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در آیین افتتاحیه دهمین نمایشگاه ملی پوشاک ایرانی-اسلامی «هدی»، صیانت از هویت ایرانی-اسلامی و پاسداشت پیشینه تاریخی و تمدنی ایران را از مهم‌ترین ضرورت‌های فرهنگی دانست. آشنا با اشاره به شرایط فرهنگی و رسانه‌ای جهان اظهار کرد: نظام سلطه با بهره‌گیری از ابزارهای مختلف و ظرفیت رسانه‌ای گسترده، در تلاش است هویت فرهنگی ملت‌ها را تحت تاثیر قرار دهد و آنان را از اصالت و ریشه‌های تاریخی خود دور کند. او برگزاری نمایشگاه «هدی» را فراتر از یک رویداد در حوزه پوشاک دانست و گفت: این نمایشگاه اقدامی فرهنگی برای صیانت از هویت ایرانی-اسلامی و پاسداشت ارزش‌ها، باورها و میراث نسل‌های گذشته است. مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی افزود: طراحی پوشاک ایرانی-اسلامی یکی از مؤلفه‌های مهم حفظ فرهنگ و هویت جامعه است. این نمایشگاه از ۱۷ تا ۲۷ شهریورماه، از ساعت ۱۶ تا ۲۳ در مصلای امام خمینی(ره) برگزار می‌شود.

مرحله دوم
آگهی مزایده
شرکت پخش رازی سهامی عام
شرکت پخش رازی در نظر دارد
تعداد ۱۰ دستگاه ایسوزو، ۲ دستگاه نیسان و ۵ دستگاه وانت مزدا خود را به صورت یکجا و از طریق مزایده عمومی واگذار نماید. متقاضیان می‌توانند با واریز مبلغ ۱،۰۰۰،۰۰۰ ریال به حساب شماره ۰۱۱۰۳۷۳۱۶۱۰۰۰ سیبای بانک ملی به نام شرکت پخش رازی به مدت ۵ روز کاری از تاریخ درج آگهی به آدرس تهران خیابان فردوسی، خیابان نوفل لوشاتو، کوچه مسعود سعد پلاک ۳۱، واحد پشتیبانی مراجعه کرده و اسناد مزایده را دریافت نمایند.
ضمنا شماره تلفن ۶۳۴۵۷۰۰۰ داخلی ۲۰۱۰ آماده پاسخگویی به سوالات می باشد.
سازمان آگهی‌های روزنامه جام جم
۴۹۱۰۵۰۰۰
daneshpayam.agahi@gmail.com